

نشریه دانشکده ادبیات تبریز

۱۳۳۶

بهار سال

بقلم حاج حسین نخجوانی

معرفی کتاب گلستان هنر

در نظر بعضی از دانشمندان اروپائی و ایرانی دوره صفویه عصر طلایی هنرهای زیبای ایران بشمار است زیرا در این عصر خوشنویسی و نقاشی و مذهبکاری و شعر و شاعری بدرجه اعلاى خود رسیده بود فی الواقع آن عصر را عصر صنایع مستظرفه میتوان گفت خوشنویسان و نقاشان و مذهبکاران بر اثر تشویق سلاطین صفوی با کمال مهارت و زبردستی مشغول کار بودند و حسن خط در آن دوره بدرجه کمال خود رسیده بود از خوشنویسان مشهور آن دوره میر عماد حسنی و علیرضای عباسی تبریزی و میر علی جامی از نقاشان و مصوران استاد بهزاد و رضای عباسی کاشی ولد علی اصغر و امثال آنها شاهد این مدعا است آثار زیادی از آن خطوط و هنرهای زیبا و نقاشیها در موزههای ایران و کشورهای خارجه بسیار است در آن دوره صنعت معماری و کاشیکاری بمدارج عالییه خود رسیده بود خوشبختانه هنوز بسیاری از آن آثار باقی است که مورد تعجب و حیرت هر بیننده است مستشرقین و اروپائیانها دسته دسته برای تماشای آنهمه آثار و صنایع ظریفه به ایران میآیند متأسفانه سلاطین قاجار اغلب آثار و هنرهای زیبای آن دوره را تا توانستند از بین بردند مخصوصاً در زمان حکمرانی ظل السلطان در اصفهان اغلب عمارات عالییه و آثار گرانبهای صفویه

محو و نابود گردید نوشته‌اند قریب به هفتاد عمارت و ابنیه عالیه از بناهای صفویه از بیخ و بن ویران گردید در بعضی تواریخ مسطور است که در اوائل قاجار تصویرهای کاراستاد بهزاد و خطوط علیرضای تبریزی و میر عماد در بازار اصفهان به ثمن بخشی فروخته میشد بسیاری از آنهمه هنرهای زیبا و نقاشیها و منیاتورها را مسافرین خارجی به بهاء کمتری خریداری نموده و بخارجه بردند خوشبختانه در عصر درخشان پهلوی بر عکس دوره‌های گذشته مجدداً آنهمه صنایع و هنرهای زیبا مقام اولیه خود را بدست میآورد آثار گذشتگان و هنرهای زیبای صفوی و سایر ادوار مشعشع ایران جمع آوری و نگهداری میشود عمارات عالیه و صنایع ظریفه اثر استادان ماهر و معماران زبر دست گذشته تعمیر و اصلاح میشود نگهداری آثار گذشتگان از اهم فرائض است زیرا که تاریخ گذشته را بخوبی روشن میکند چنانکه گفته‌اند .

ان آثارنا تدل علینا فانظروا بعدنا الی الانار

قاضی احمد ابن میرمنشی قمی از مورخین و مؤلفین دوره صفویه کتابی بنام (گلستان هنر) در زمان شاه عباس کبیر تالیف کرده که نسخه آن بسیار کمیاب و نادر است نسخه‌ای از آن کتاب در دسترس بنده میباشد مؤلف دانشمند این کتاب شرح حال یکصد و شصت و پنج نفر از خطاطان و خوشنویسان و چهل و یک نفر از نقاشان و مذهبان دوره صفوی را برشته تحریر کشیده است

الحق کتابیست پر بها و تذکره‌ایست بسیار زیبا که تاکنون نظیر آن از قلم هیچ مؤلفی بمنصه ظهور و بروز نرسیده است .

مؤلف این کتاب چنانکه ذکر شد قاضی احمد بن میرمنشی قمی است میرمنشی شرف الدین حسین والد مؤلف (۱) از خاصان و منشیان شاه طهماسب اول صفوی بود و از طرف او ملقب و مخاطب به میرمنشی گردیده در اوائل جوانی در دارالسلطنه هرات منشی سام میرزا بود پس از آن چندی در مشهد به منشی‌گری سلطان ابراهیم میرزای

۱- شرح حال میرمنشی در صفحه ۱۲۶ تاریخ عالم آرا بنام میرزا حسین منشی تعلیق نویسنده مسطور است .

صفوی مشغول بوده و از آنجا در اثر لیاقت و قابلیت خود بدربار شاه طهماسب اول راه یافت و تا آخرین دوره زندگانی آن پادشاه شب و روز در مجالس بهشت آمین از جمله خاصان شاه طهماسب بود و گاهی به مجلس نویسی و کتابت متفرقه اشتغال داشت خط ثلث و نسخ و نستعلیق را نیکو مینوشت و از سایر هنرهای زیبا و صنایع مستظرفه نیز بی بهره نبود در سن هفتادسالگی در سال نهصد و نود هجری در ری دار فانی را وداع نموده و در آستانه حضرت عبدالعظیم مدفونست مولانا عابدی جنابدی تاریخ فوت او را چنین گفته است .

سپهر شرف میر منشی که بود فلک را سر قدر بر پای او

چو از گلشن دهر دلگیر شد ریاض جنان کشت ماؤای او

چو تاریخ جستم ز پیر خرد بگفتا (بهشت برین جای او) ۹۹۰

پسرش قاضی احمد مؤلف گلستان هنر نیز مثل پدر بسیار هنرمند و فاضل بود از تاریخ تولد و وفات او اطلاع صحیحی در دست نیست همین قدر از اواخر شاه طهماسب اول تا اواخر شاه عباس کبیر بر حیات بوده از نویسندگان و مؤلفین دوره صفوی است غیر از کتاب گلستان هنر تالیفات دیگری نیز دارد از آن جمله یکی خلاصه التواریخ است در شش جلد و دیگری تذکرة السلاطین والامر است و علاوه بر آنها کتاب دیگری نیز بنام تذکرة الشعرا یا مجمع الشعرا از تالیفات وی هست که در گلستان هنر به آنها اشاره کرده است و شاید آن کتابها در کتابخانه‌های داخله و خارجه پیدا بشود . قاضی احمد هنگامیکه پدرش در مشهد در دربار سلطان ابراهیم میرزای صفوی به منشی گری مشغول بود با اتفاق پدر در دربار سلطان ابراهیم میرزا بود و در نتیجه از تربیت شدگان وی گردید در گلستان هنر در شرح حال سلطان ابراهیم میرزا درین خصوص و شرح تالیفات خود چنین نگاشته است .

اما چون بنده دیرینه که مملوک و غلامزاده آن جامع اوصاف حسنه است و از غلامی و بندگی آن در درج سلطنت و هنرمندی و مجموعه کمالات و سخن گسترش نشو

و نما یافته لاجرم از آن مفصل مشحون بایجاز اختصار در جلد سادس کتاب مستطاب خلاصة التواریخ که در ذکر وقایع حالات سلاطین صفوی و دودمان مرتضوی نوشته و اندکی از ایام سلطنت و روزگار باحشمت و نشاط و عشرت آن ثریا منزلت را ایراد نموده ام و همچنین در خاتمه کتاب افادت انتساب تذکرة الشعرا و حالات پادشاهان و سلاطین و شاهزادگان و امرا و ترکان را نوشته در آنجا نیز مجملی از حالات خجسته صفات و اشعار معجز سمات آنحضرت را شرف تسطیر داده و در این نسخه نیز نمودای مالایدرك کله لا یترك کله اندکی از محامد آن خلاصة اما جدر ا عرض مینماید الخ اما کتاب گلستان هنر مورد بحث ما بهترین و روشن ترین تاریخ خوشنویسان و نقاشان عصر صفوی است در این کتاب مؤلف علاوه بر شرح حال خوشنویسان و نقاشان و صحافان طریقه و قاعده صحافی و مذهبکاری و ساختن رنگهای الوان برای نقاشی و ترکیب انواع مرکب را بطرز مرغوب و مطلوبی بیان کرده و این مجموعه را بريك مقدمه و چهار فصل و يك خاتمه قرار داده است مقدمه در باب احداث قلم و پیدا شدن خط فصل اول در بیان خط ثلث و مشابه آن و شرح حال نویسندگان ثلث فصل دوم در ذکر خط تعلیق و شرح استادان آن فصل سوم در خط نستعلیق و نویسندگان آن فصل چهارم در ذکر احوال نقاشان و مذهبیان و عکس سازان و قاطعان خط و افشانهگران و صحافان خاتمه در باب تذهیب و جدول سازی و رنگ الوان و ساختن مرکب با انواع مختلف اسامی بعضی از برجسته ترین نویسندگان خط ثلث بدین قرار است :

علی بن هلال الشمیر بابن بواب یاقوت مستعصمی شیخ زاده شهر وردی
 خواجه عبدالله صیرفی عبدالحق تبریزی جعفر تبریزی نعمة الله بوآب میرزا
 بایسنقر ولد شاهرخ میرزا سلطان ابراهیم میرزا سلطانعلی میرمنشی قمی والد
 مؤلف علی بیگ تبریزی علی رضای عباسی تبریزی و چند نفر دیگر در ردیف
 خوشنویسان تعلیق این اشخاص برجسته بنظر میرسد خواجه عبدالحی منشی میر

عبدالباقی یزدی مولانا سلطان محمود خواجه ملک محمد منشی خواجه میرک منشی قاضی عبدالله خوئی اسکندر بیگ منشی مؤلف عالم آرا و چندین نفر دیگر در ردیف خوشنویسان نستعلیق میر علی تبریزی سلطانعلی مشهدی سلطان محمد خندان میر علی جامی عبدی نیشابوری مالک دیلمی ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا میرعماد حکیم رگنا و چندین نفر دیگر در ردیف نقاشان نام این استادان بچشم میخورد خواجه میرک استاد بهزاد سلطان محمد تبریزی میر مصور بدخشانی صادق بیک افشار و چند نفر دیگر چند سطری از دیباچه کتاب برای نمونه انشاء مؤلف نوشته میشود .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ای نام تو دیباچه دیوان بقا آرایش هر صفحه ز اوراق سما
منشی ازل صحیفه ملکت تو از کلمک ازل نوشته بر لوح قضا
حمد و سپاس مقرون با اخلاص صانعی را زبید که صفحه بوقلمون را بسواد
و بیاض تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل ملمع ساخت و شکر و سپاس
بیرون از حد و قیاس را قم صحیفه ن والقلم و ما یسطرون را شاید که مرتع مرتع
فلک دوار را باوراق الوان بهار و خزان ترتیب داده بعد از چند شعر درود بی پایان
بر رسولی که جدول شریفش احاطه صفحاتین احوال انس و جان فرموده و توجه
رسالتش مرتع وجود را حسن زینت داده
بعد از چند سطر مینویسد

چون فقیر حقیر کثیر التقصیر قاضی احمد بن میر منشی ابراهیمی الحسینی

الفمی رفع الله قدرهما بالنبی والوصی بخدمت اهل فضل میرسید و از خرمن افضال ایشان خوشه میچید بخاطر فاتر رسید که نسخه پاکیزه در باب حدوث قلم و پیدا شدن آن و احوال هر یک از استادان و خوشنویسان و نقاشان و افشانگران و سایر هنرمندان که باین طبقه منیفه منوطند و از اهل کتاب و کتابخانه‌اند و طریق ساختن مرکب و ترتیب سایر لونه‌های مختلف و تذهیب در سلك تحریر و نمط در آورد الخ

از اینجا شروع بشرح حال خطاطان و نقاشان مینماید رجوع شود بکتاب گلستان هنر از برجسته‌ترین استادان خط نستعلیق و نقاشان عصر صفوی یکی استاد ماهر خوشنویس علیرضای عباسی تبریزی شاگرد علی بیگ تبریزی است و دیگری نقاش زبردست آقا رضا ولد علی اصغر کاشی است این دو نفر گوی سبقت از هم‌کنان برده‌اند آثار و خطوط زیبای علیرضای عباسی تبریزی در ابنیه و عمارات اصفهان و قزوین زیاد است از آنجمله در مسجد شاه و بازار اصفهات و سردر عالی قاپوی قزوین و صحن کهنه آستانه قدس رضوی خط این استاد هست از همه زیباتر یک جلد قرآن بزرگ بخط وی در آستان قدس رضوی است محمد طاهر نصر آبادی در حق علیرضای عباسی چنین نگاشته مولانا علیرضای عباسی بسیار پاکیزه وضع و آدمی روش بود هفت قلم را خوش مینوشت کتابه در مسجد شیخ اطفال الله و کمر صفا در مسجد جامع خط اوست و بطاقهای روی بازار خفافان و حلاجان واقع بدر مسجد شیخ لطف الله دو رباعی بخط نسخ تعلیق نوشته و خوب نوشته این طرفه که (خوشنویس عهد) با (علیرضا) ۱۱۱۱ در عدد موافق آمده میرزا حبیب اصفهانی در کتاب خط و خطاطان لقب علیرضا را (شاه نواز) مینویسد و او را کتابدار مخصوص شاه عباس و مخالف میرعماد معرفی کرده و مینویسد که قتل میرعماد بتحریر او بوده است تاریخ وفات علیرضای عباسی خوشنویس صحیحاً معلوم نیست تا آخرین زمان سلطنت شاه عباس کبیر ۱۰۳۸ در قید حیات بوده بعد از آن از تاریخ زندگانی وی اطلاعی نیست.

تصویرها و نقاشی‌های آقا رضا عباسی کاشی در موزه‌های داخله و خارجه بسیار است در فروردین ماه ۱۳۲۵ شمسی در تهران الواح طلائی متعلق به آستان قدس رضوی بخط علیرضای عباسی تبریزی بمعرض نمایش گذاشته شد که هزاران نفر از مردم تهران آن الواح تاریخی و نفیس را بازدید کردند این الواح طلا در دو قسمت است قسمتی از طرف شاه طهماسب اول سال ۹۵۷ و قسمتی از طرف شاه عباس کبیر سال ۱۰۱۱ بحرم مطهر رضوی اهدا شده و روی صندوق چوبی مرقد مطهر حضرت رضا علیه السلام نصب شده بود در موقع تعمیرات حرم و ضریح مطهر این الواح را که فرسوده و خراب شده بود از روی صندوق مرقد برداشته در خزانه آستانه نگهداری کرده بودند در زمان شاه فقید بانگ ملی ایران این الواح طلا را خریداری کرده بود تا پشتوانه اسکناس قرار دهد بعداً بامر اعلیحضرت همایونی محمد رضا شاه پهلوی مجدداً آن الواح از بانگ ملی بازخرید شده و پس از تعمیر و مرمت کاری بآستانه قدس رضوی منتقل گردید و فعلاً در اطاق مخصوصی زینت بخش موزه آستانه رضوی میباشد.

نگارنده سطور در سال ۱۳۳۲ شمسی آن الواح را در موزه آستانه رضوی تماشا و معاینه کرده حظ بسیار بردم و بقدرت قلم استاد ماهر علیرضای عباسی تبریزی صد آفرین خواندم تاریخ و رقم الواح بقرار زیر است قسمتی که از طرف شاه طهماسب اول اهدا شده تاریخ آن بدینقرار است بتوفیق اللہی و تائیدات حضرت رسالت پناهی و ائمه معصومین صلوات اللہ علیهم اجمعین طهماسب بن اسماعیل الحسینی الصفوی بوضع این معجزه طلا در موضع عرش اعتلاء موفق و مؤید گردید سنه ۹۵۷ اسم کاتب معلوم نشد قسمتی که از طرف شاه عباس کبیر اهدا شده مقداری آیات قرآنی است بخط ثلث و مقداری اشعار فارسی است که با خط نستعلیق نگارش یافته این اشعار در روی بعضی از الواح مسطور است

سر بجای پا درون روضهات عمداً نهم زانکه هیت رسم که بر بال ملایک پانهم
در لوحه دیگر

در محشر اگر لطف تو خیزد بشفاعت بسیار بچویند و گنه کار نیابند
در لوحه دیگر

شفیع خلق بروز جزا توانم بود اگر سگی زسگان رضا توانم بود

تاریخ تحریر این الواح چنین مسطور است امر بصناعة هذا المرقد الاشرف

تراب اقدام هذا الحرم عباس الحسینی کتبه عبدالمنذوب علیرضای عباسی سنه ۱۰۱۱
و در جای دیگر نوشته شده عمل کلب رضا مستعلی زرگر سنه ۱۰۱۲

بعضی از مستشرقین و نویسندگان اروپائی از آنجمله (زاره و پروفیسور یوکن

میتووخ) علیرضای عباسی را با آقا رضای عباسی نقاش کاشی شخص واحد فرض کرده

و علیرضای عباسی را خطاط و نقاش دانسته‌اند همچنین مؤلف کتاب پیدایش خط و

خطاطان نیز علیرضای عباسی خوشنویس را خطاط و هم نقاش فرض کرده و چند

تصویری بنام علیرضای عباسی چاپ کرده که قطعاً آن تصاویر از دیگری است و یا

از آقا رضا عباسی کاشی است در هیچ کتاب و تاریخی دیده نشده که علیرضای عباسی

خوشنویس را نقاش و مصور نوشته و یا تصویری بوی نسبت داده باشند نسبت نقاشی

بوی بکلی عاری از حقیقت است. باعث این اشتباهات این بوده که هر دو معاصر و

در دربار شاه عباس بودند و هر دو نامشان رضا بوده و نسبت عباسی بخود داده‌اند

علت دیگری نیز باعث این اشتباه شده و آن اینست که علیرضای عباسی تبریزی

بعد از صادقی بیك افشار کتابدار شاه عباس گردید و هر تصویری که نقاشان بشاه

تقدیم میکردند بوی سپرده میشد و او در پشت تصویر تاریخ تحویل آنرا نوشته و در

آخر آن کتبه علیرضای عباسی فی تاریخ فلان مینوشت و این مسئله عمده باعث این

اشتباهات گردیده لیکن اگر به رقم های خطوط علیرضای عباسی و رقمهای نقاشی

آقا رضا عباسی کاشی دقت میکردند این مطلب روشن و واضح میشد زیرا که علیرضای

عباسی در آخر خطوط خود رقم کتبه (علیرضای عباسی) یا (فقیرالمنذوب علیرضاء

العباسی) مینوشت ولی آقا رضا نقاش کاشی در تمام تصویرهای خود رقم (کمینه رضا، عباسی) رقم کرده و راه رضا را به ض می چسبانید اینمطلب را مؤلف گلستان هنر روشن ساخته و شرح حال هر يك را جداگانه نوشته است و مؤلف نامبرده چون معاصر این دو نفر بوده نوشته‌های وی در حق ایشان مورد اطمینان است درین کتاب ادنی اشاره‌ای به نقاشی علی‌رضای تبریزی نیست همچنین محمد طاهر نصر آبادی چنانکه در بالا ذکر شد وی را خطاط و خوشنویس نوشته و اشاره به نقاشی وی نکرده است. جهت اطلاع خوانندگان محترم عین شرح حال این دو استاد را از گلستان هنر در این مقاله مینویسیم.

شرح حال علیرضای عباسی

مولانا علیرضای تبریزی شاگرد مولانا علی بیگ تبریزی است صاحب اخلاق حمیده و اوصاف پسندیده است بعد از فترت رومیه و خرابی دارالسلطنه تبریز بقزوین آمده در آن بلده توطن اختیار نمود و در مسجد جامع آنجا رحل اقامت انداخته بکتابت اشتغال نمود و کتابه‌های مسجد جامع بخط اوست و چند مصحف در آنجا تمام نمود سپس مؤلف در جزء خوشنویسان نستعلیق بار دیگر از علیرضای عباسی تبریزی نام برده و چنین مینویسد مولانا علیرضا تبریزی سابقاً در تلو خوشنویسان نلث و نسخ ذکر ایشان شد اما چون در جبلت بیعتش مذکور بوده که در فن نستعلیق سر آمد زمان و نادر دوران گردد طبع شریفش بدان مایل و ذهن منیفش بدان راغب گشت و شروع در مشق آن نموده و در اندک زمانی بزور و قوت ام‌الخطوط که عبارت از نلث است خوشنویس گشت و خط را بجای بلند رسانید و هر چه از مولانا میرعلی نقل مینماید تفرقه چند ندارد و آنچه از قلم گوهر ریز ایشان میریزد روز بروز تفاوت بین ظاهر میشود وی بعد از ایامی که در مسجد جامع دارالسلطنه قزوین بکتابت و قطعه نویسی اشتغال داشتند بملازمت فرهاد خان رسیدند و خان مشارالیه او را تربیت و رعایت فرمود و جهة هومی الیه کتابت میکرد دو سال همراه خان

بخراسان و مازندران رفت چون شاه مالک رقاب سپهر رکاب بر حقیقت احوال او اطلاع یافتند ایشانرا ازخان گرفته ملازم خود ساختند اکنون ده و دوازده سال شد که در ملازمت رکاب ظفر انتساب شاه کام بخش کامیاب در جمیع بورشها و یساقها اقدام دارند و از جمله مقربان و مخصوصان پادشاه عالمیاند و گاهی بکتابت و قطعه نویسی اشتغال دارند پیوسته در مجلس بهشت آمین و محفل خاص خلدبرین در سلك مقربان شرف اختصاص دارند و بتفقدات و انعامات و نوازشات بیغایات سر افراز و مفتخرند و طبع سلیم ایشان بنظم اشعار نیز ملائمت بسیار دارد و این رباعیات از اوست .

رباعی

تا ز آنش عشقت جگرم گشت کباب پیوسته رود ز دیده و دل نمک آب
آسودگی و عشق تو امریست مجال صبر دل بیقرار نقشی است بر آب

رباعی

تا خانه نشین شدی توای در خوشاب پیوسته مراست در غمت دیده پر آب
من خانه دل خراب کردم ز غمت تو خانه نشین شدی و من خانه خراب

شرح حال آقا رضا عباسی نقاش ولد علی اصغر کاشی

آقا رضا (۱) ولد مولانا علی اصغر کاشانی است زمانه اگر وجود باجود او افتخار نماید میساید چه در تصویر و چهره گشائی و شبیه کشی نظیر و عدیل ندارد اگر مانی زنده بودی و استاد بهزاد حیات یافتی روزی یکی صد آفرین روی نمودی و دیگری بوسه بردستی او نهادی همگی استادان و مصوران نادر زمان او را به استادی مسلم دارند هنوز ایام ترقی و جوانی او باقیست وی در خدمت اشرف شاه کامیاب مالک رقاب سپهر رکاب سلطان شاه عباس خلدالله ملکه میباشد اما بغایت کاهل طبع افتاده

۱- شرح حال آقا رضا کاشی نقاش ولد آقا علی اصغر در صفحه ۱۲۸ عالم

و اختلاط نامردان و لونندان اوقات او را ضایع میسازد و میل تمام بتماشای کشتی کیران و وقوف در آن و تعلیمات آن دارد يك مرتبه صورتی ساخته و پردازخته بود که شاه عالمیان بجایزه آن بوسه بردست او نهاد

تاریخ وفات آقا رضا عباسی کاشی در کتیبه که از شاگردش معین مصور در کنار صورت آقا رضا نوشته شده چنین مسطور است شبیه غفران و رضوان آرامگاه مرحومی مغفوری استادم رضا مصور مشهور به رضا عباسی بتاریخ شهر شوال با اقبال سنه ۱۰۴۴ آبرنگ گردیده بود که در شهر ذیقعدة الحرام سال مذکور از دار فنا بعالم بقا رحلت نمود و این شبیه را بعد از چهل سال در چهاردهم رمضان سنه ۱۰۸۴ حسب فرموده فرزندی محمد نصیرا بانمام رسانید معین مصور غفر الله ذنوبه.

صورت فرمانی است که از طرف شاه عباس کبیر در حق آقا رضا نقاش کاشانی صادر شده (۱) چون مصور کارخانه (انه مصور الاشياء و قادر علی ما يشاء) بمحض قدرت ازلی بقلم لیم یزلی نقش نواب فلک جناب ما را بمقتضای آیه احسن صور کم در صفحه جهان و لوح خواطر بنی نوع انسان کالنقش فی الحجر تحریر و تصویر فرمود و پرگاروار کرده خاک و دوائر افلاک را در تحت تصرف امکان ما آورد لاجرم نقش مرادی که در صفحه اندیشه طرح وهم نگاشته قلم مانی رقم بسان خط رخسار خوبان و مثال صفحه حلکاری خورشید پرزینت و زیب بروفق مقاصد و مطالب ما چهره گشائی میگردد و بشکر این مواهب عظمی همواره ما را نیز در صفحه خاطر خطیر این صورت نقش تدبیر گشته که جمعی از هنرمندان نادره کار و نقاشان بدایع نگار که در زمان دولت روز افزون در ظل عواطف تربیت ما نشو و نما یافته اند بروجهی رعایت و تربیت فرمائیم که بیکر فراغت و رفاهیت ایشان برنگ حصول

۱- این فرمان از مقاله دانشمند محترم آقای سهیلی خونساری در مجله ارمنان

شماره سوم سال هفدهم اقتباس شده که از يك جنگ قدیمی بدست آمده بود .

امانی و آمال مصوّر بوده مرفه الحال و فارغ البال روزگار گذرانند
 لهذا شمه از مراحم بی غایت شاهانه را درباره سعادت آثار نادره الزمانی
 وحید دورانی آقا رضای مصوّر خاصه که از عنفوان شباب آثار قلم معجز نگارش
 دستورالعمل نقاشان نادره کار و مورد تربیت نواب همایون ماست فرموده
 در زمان شاه عباس کبیر یک نفر دیگر خطاط و خوشنویس بود بنام علی
 رضای اصفهانی که نستعلیق را خوب می نوشت و در گلستان هنر در صفحه ۱۰۶ در
 ردیف خوشنویسان نستعلیق بنام وی اشاره شده است لیکن اصفهانی بودن او را
 ننوشته کتاب لیلی مجنون مکتبی باخط ری در کتابخانه اخوی حاجی محمد آقا
 نخجوانی هست که رقم آن بدینقرار است.
 (تمام شد بتوفیق الله تعالی بتاريخ يوم الاحد منتصف شهر ربيع الاول سنه
 سبع و ثلاثين والى من الهجرة النبويه) دو کلمه محوشده) المستغفر الراجی علی رضاء
 الکاتب الاصفهانی غفر ذنوبه وستر عیوبه و سه مجلس نقاشی در این کتاب هست امام معلوم
 نشد کار کدام استاد است.

پیرایه محبت اوینی پند و مکتب

پند و مکتب اوینی پند و مکتب

بال ایامی زین ایامان پند

ناله کجسته تاز غوک و مکتب

کتابه العبد الفقیر المذنب عبد الملک حسینی

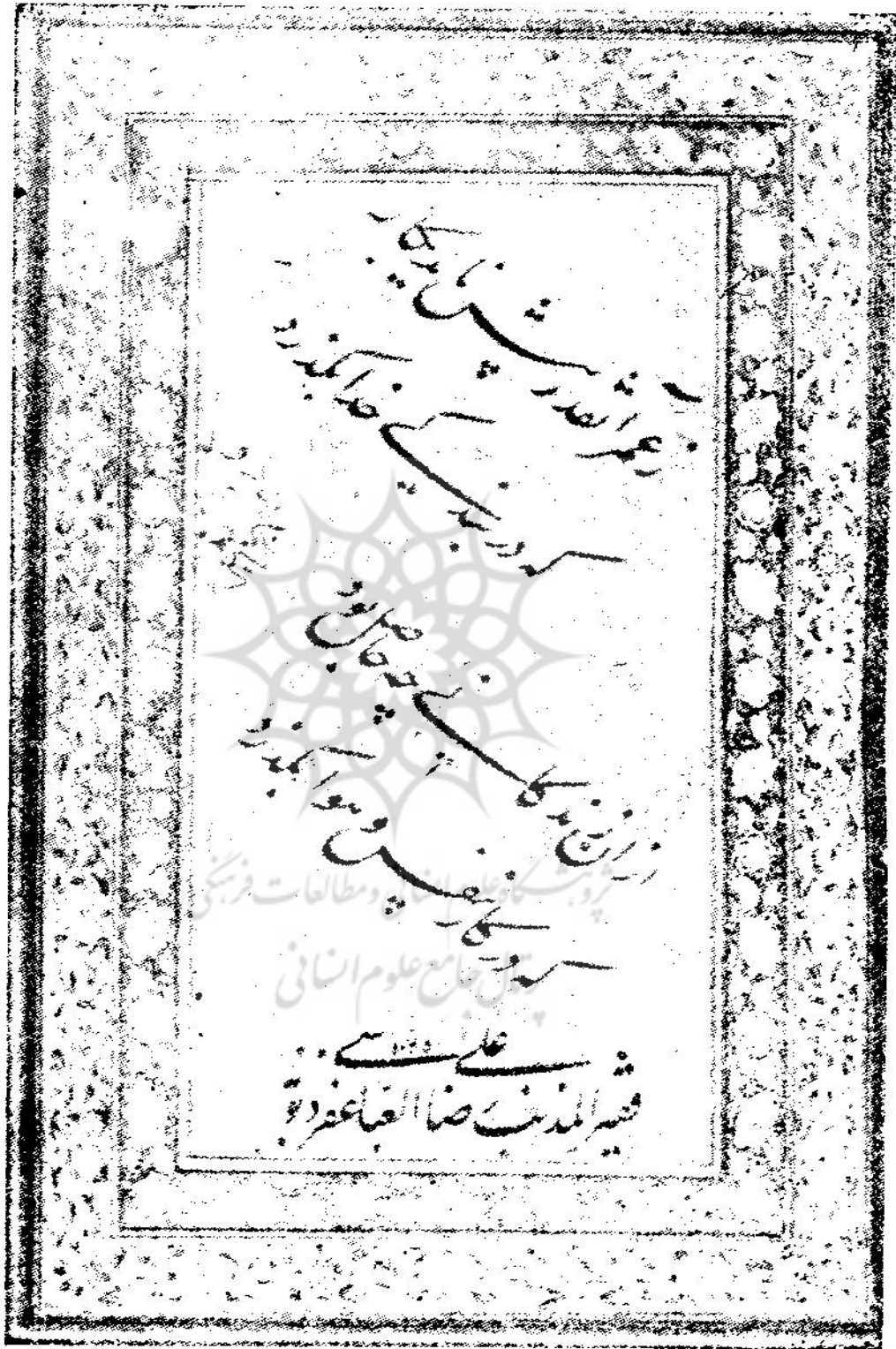
نقده العبد المذنب المذنب



خط از میرعماد تصویر از رضای عباسی کاشی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



خط علیرضای عباسی تبریزی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی